

# انقلاب اسلامی در آثار یهودیان ایرانی

هادی رستمی مراد

مقدمه

انقلاب و وقوع آن در برگیرنده تغییرات بنیادین در یک جامعه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از بخش‌هایی که متأثر از انقلاب اسلامی گردید اقلیت‌ها از جمله کلیمیان ایران بودند. با توجه به آن که حرکت انقلاب حرکت سریع و غافل‌گیرکننده‌ای بود طبیعتاً این حرکت تأثیرات عمیقی را بر جامعه کلیمی ایران بر جای گذارد و این جامعه را دچار تحولات مختلف نمود. نوشتار حاضر در پی بررسی بازتاب‌های انقلاب اسلامی و نوع رویکرد این اقلیت در قبال انقلاب اسلامی البته با بهره‌گیری از منابع آن‌ها می‌باشد. اگرچه نتایج این تحقیق ممکن است به مذاق جامعه کلیمیان ایران خوش نیاید ولی تلاش بر این بوده است تا گوشه‌ای از تاریخ کشور بر مبنای نگاهی مبتنی بر واقعیات مورد کنکاش قرار گیرد.





## ترسیم فضای پیش از انقلاب در آثار یهودیان

می توان گفت انقلاب اسلامی یک امر تحمیلی بر جامعه یهودیان ایران بود چرا که با وجود فضای مناسب برای این اقلیت در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لزومی نداشت که این اقلیت در فکر تغییر نظام سیاسی جامعه ایران پیش از انقلاب باشد، لذا موضع یهودیان در قبال انقلاب بر مبنای یک اجبار بود تا انتخاب. ممکن است این سؤال مطرح شود چه دلایلی مبنی بر اثبات نظر مثبت یهودیان به ادامه حکومت پهلوی بود. پاسخ به این سؤال را باید در آثار و نوشته های یهودیان ایرانی جست و جو نمود.

در یک نگاه کلی باید گفت دوران حکومت پهلوی به ویژه پهلوی دوم دوران طلایی و اوج شکوفایی جامعه یهود البته از نگاه آنان بود. دلایل این موضوع از دید یهودیان ایرانی در مطلب زیر قابل بررسی است:

در این دوران یهودیان از استقلال دینی و فرهنگی بهره مند بودند. ترقی مالی بی سابقه ای را تجربه کردند و حقوق تقریباً مشابهی با سایر هموطنان مسلمان خود داشتند که برخی عوامل مؤثر در این پیشرفت را می توان به شرح زیر فهرست کرد:

- ایدئولوژی رژیم پهلوی که بر اساس غرب گرایی، سکولاریسم و ناسیونالیسم شکل گرفته بود فضای مناسب برای اقلیت های دینی ایران ایجاد کرده بود.

- فرآیند مدرنیزاسیون که از انقلاب سفید، طرح های اقتصادی و درآمد نفت تغذیه می شد به یهودیان کمک کرد استعدادهای خود را جهت مشارکت اجتماعی و ارتقای وضعیت خود به کار گیرند.

- شکل گیری دولت قوی مرکزی باعث کنترل کامل احساسات گروه های ضد اقلیت شد.

- استحکام ارتباط با غرب به شاه انگیزه می داد تا حقوق اقلیت ها را رعایت و برای تقویت اجتماعی با تشکیلات یهودی سراسر جهان ارتباط برقرار کند.

- تأسیس دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ میلادی، پیشرفت سریع آن و پیروزی های یهودیان در جنگ با همسایگان عرب خود باعث ایجاد غرور و امنیت بیشتر یهودیان ایران شد.

- روابط نزدیک ایران و اسرائیل در این قضیه بسیار مؤثر بود.

- شاه یهودیان را به عنوان وفاداران به ایران و سیاست های خود

در یک نگاه کلی باید  
گفت دوران حکومت  
پهلوی به ویژه پهلوی  
دوم دوران طلایی و اوج  
شکوفایی جامعه یهود  
البتّه از نگاه آنان بود

می پذیرفت.

- این که شاه خود را فرمانروایی بزرگ  
و مرید کوروش کبیر، بخشنده آزادی به  
یهودیان می دانست برای رواداری گروه‌های  
اقلیت دینی به او انگیزه ویژه‌ای می داد.

- مهاجرت یهودیان به اسرائیل، خصوصاً  
اعضای طبقات پایین تر جامعه باعث پیشرفت سطح اجتماعی و  
اقتصادی یهودیان باقی مانده شد.

و بالاخره مهم ترین علت حمایت شاه از یهودیان، افزایش قدرت مالی،  
سیاسی و اجتماعی جامعه یهود به ویژه در امریکا و واشنگتن بود.<sup>۱</sup>  
در منابع دیگر یهودیان نیز به موضوع فوق الذکر اشاره شده است که به اجمال به چند  
مورد آن اشاره می گردد:

- در نظر بنده بهترین دوران پادشاهی ایران برای یهودیان دوران  
محمد رضا شاه پهلوی و پدر او رضا شاه کبیر بود.<sup>۲</sup>

- من اعتقاد دارم که محمد رضا شاه پهلوی نسبت به اقلیت‌های مذهبی  
همواره نظر موافق داشت و حقاً در تأمین امنیت این جوامع کوشا بود و در  
دوران سلطنت سی و هفت ساله او جامعه یهود به ترقیات چشم گیری از  
لحاظ اقتصادی، فرهنگی و سلامت و امنیت جامعه دست یافت.<sup>۳</sup>

- دوران محمد رضا شاه (۱۹۷۹-۱۹۴۱) از نظر تاریخ یهود ایران به ویژه  
آن که مصادف با احیای کشور مستقل اسرائیل است اهمیت خاص  
دارد... سالیانی از دوره محمد رضا شاه را می توان اوج آسایش زندگی  
یهودیان دانست.<sup>۴</sup>

- بزرگترین حادثه تاریخی برای یهودیان ایران مانند دیگر یهودیان  
در این عصر استقلال کشور اسرائیل بود که در نخستین دهه پادشاهی

۱. هومن سرشار، *فرزندان استر* (مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان در ایران)، ترجمه مهرناز نصریه،  
تهران، کارنگ، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷-۳۷۱.  
۲. منوچهر کوهن، *خاطرات حاخام یدید یا شوفط*، لس آنجلس، بنیاد فرهنگی حاخام یدید یا شوفط، ۲۰۰۱،  
ص ۲۵۰.  
۳. گزارش *خاطرات یوسف کهن*، امریکا، بنیاد یوسف کهن، ۱۹۹۳، ص ۳۰۳.  
۴. حبیب لوی، *تاریخ جامع یهودیان*، بازنوشته هوشنگ ابرامی، لس آنجلس، بنیاد فرهنگی حبیب لوی، ۱۹۹۷،  
ص ۵۳۳.



### محمد رضا شاه روی داد.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب فوق باید گفت حاکمیت رژیم پهلوی در ایران از یک سو و تشکیل رژیم غاصب اسراییل و تمایل شاه به داشتن روابط با این رژیم از سوی دیگر زمینه‌های مساعدی را برای یهودیان ایرانی به وجود آورد تا از این فضا حداکثر بهره‌برداری را داشته باشند. زمینه‌هایی که باعث شد تا شاه ایران به سمت و سوی برقراری روابط با اسراییل حرکت نماید، تحولات و اوضاع حاکم بر خاورمیانه در آن زمان بود.

نزدیکی مصر و سوریه با اتحاد شوروی شاه را متوجه اتحاد و همکاری با اسراییل کرده بود. پیروزی برق‌آسای یهودیان در جنگ اکتبر ۱۹۵۶ این کار را تسهیل کرده و فرصتی را در اختیار دولت اسراییل گذاشته بود که نه تنها با ترکیه بلکه با ایران و اتیوپی نیز همکاری استراتژیک برقرار کند و زمینه میثاق حاشیه‌ای را فراهم سازد. طرح مزبور بر این اساس بود که اسراییل و اتیوپی و ایران و ترکیه چهار کشور غیر عرب منطقه همگی در مخالفت با نفوذ شوروی در خاورمیانه متفق‌القول اند و از دخالت‌های عبدالناصر در سایر کشورهای منطقه نگران‌اند.<sup>۲</sup>

لذا با توجه به نیاز ایران و اسراییل به داشتن روابط با یکدیگر این انتظار می‌رفت که یهودیان ساکن در ایران جایگاه مناسبی را برای طرفین در ارتقای روابط برعهده داشته باشند؛ خصوصاً آن که اسراییل به دلایل خاص دیگری بر این موضوع اصرار داشت. استفاده از ظرفیت‌های یهودیان ایرانی در افزایش توانمندی و قدرت اسراییل نکته مهمی بود که دولت مردان اسراییلی از آن غافل نبودند. از این که یهودیان ایرانی چه خدمتی می‌توانستند برای اسراییل داشته باشند موارد متعددی را می‌توان برشمرد:

- استفاده اطلاعاتی از یهودیان ایرانی
- افزایش جمعیت اسراییل با مهاجرت دادن یهودیان ایرانی
- کمک‌های اقتصادی یهودیان ایرانی به اقتصاد اسراییل
- برای روشن شدن ابعاد این موضوع به مواردی چند استناد می‌شود:
- اسراییل یک شبکه اطلاعاتی در داخل تهران داشت که از کلیمی‌های ساکن آن شهر تشکیل شده و دارای اطلاعات با ارزشی درباره نیروهای

۱. همان، ص ۵۳۸.

۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳، ص ۲۸۴.



استفاده از ظرفیت‌های  
 یهودیان ایرانی در افزایش  
 توانمندی و قدرت اسرائیل  
 نکته مهمی بود که دولت مردان  
 اسرائیلی از آن غافل نبودند

مخالف رژیم در پایتخت بود.<sup>۱</sup>  
 - در دوران محمدرضا تعداد  
 محدودی از یهودیان ایران خواهان  
 مهاجرت به اسرائیل شدند ولی  
 اسرائیل برای پذیرش آن‌ها دو شرط

قائل شد: یا بسیار ثروتمند باشند تا ثروت خود را در اسرائیل به کار گیرند  
 و یا جوان و نیرومند باشند تا در ارتش اسرائیل بتوانند خدمت مؤثر کنند.  
 تعدادی از افرادی که دارای دو شرط فوق بودند تقاضای رفتن کردند و  
 تقاضایشان مورد قبول واقع شد ولی بسیاری از آن‌ها پس از یکی، دو سال  
 اقامت خواستار مراجعت به ایران شدند. احتمال داده می‌شد که برخی  
 از آن‌ها در اسرائیل دوره اطلاعاتی دیده‌اند تا از تخصص خود در ایران به  
 سود اسرائیل استفاده کنند.<sup>۲</sup>

- به طور کلی می‌توان گفت هیچ یهودی متمکن ایرانی نیست که  
 لااقل یک آپارتمان در اسرائیل خریداری نکرده باشد... یهودیان ایرانی  
 در حیفا و ناتانیا و اورشلیم با مبالغ هنگفت مشغول سرمایه‌گذاری  
 می‌باشند... تمام سرمایه‌داران بزرگ مانند القانین مشغول  
 سرمایه‌گذاری در اسرائیل می‌باشند. قسمت مهمی از سرمایه‌های  
 ایران در رشته هتل‌سازی در اسرائیل گذاشته می‌شود... تمام اقدامات  
 سرمایه‌گذاری تحت نظر و هدایت آژانس اسرائیل (آژانس یهود) در  
 تهران انجام می‌گیرد.<sup>۳</sup>

بنابراین باید گفت با توجه به حجم بالای روابط شاه با اسرائیل و همکاری‌های گسترده  
 طرفین در موضوعات مختلف طبیعی بود که یهودیان در عرصه‌های مختلف دارای  
 جایگاهی بیش از حد و اندازه‌های یک اقلیت در جامعه مسلمان آن روز ایران باشند و  
 طبیعتاً ادامه وضعیت موجود به نفع یهودیان بود؛ به عبارتی ادامه حکومت پهلوی مطابق  
 خواست و نظر جامعه یهود آن دوره بود.

۱. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات حسین فردوست)، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۵۲.

۲. سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۱، ص ۱۹.

۳. هومن سرشار، همان، ص ۲۷۱.



## انقلاب اسلامی و تأثیرات آن بر جامعه یهود ایران

وقوع انقلاب اسلامی شوک و ضربه روانی را متوجه جامعه یهود ایران نمود. در قاموس یهودیان قابل تصور نبود که حرکت انقلابی به ناگاه تمامی تاروپود حکومت پهلوی را درنوردد. شکل گیری انقلاب اسلامی به معنای پایان دوران خوش یهودیان بود. ذکر نکته‌ای در این جالازم و ضروری است. ممکن است این ذهنیت شکل گیرد که با پیروزی انقلاب جایگاه اقلیت‌ها و در رأس آن‌ها یهودیان از سوی نظام اسلامی نادیده انگاشته گردید؛ در حالی که واقعیت این گونه نبود. نگاهی به مواضع امام (ره) و سایر مسئولین در اوایل انقلاب - این موضوع به کرات از سوی یهودیان ساکن در کشور در بعد از انقلاب مورد تأکید قرار گرفت که امام حساب یهودیان را از صهیونیست‌ها جدا می‌دانست - نشان می‌دهد که آن‌ها محدودیتی را به لحاظ برخورداری یهودیان از حقوق شهروندی همانند سایرین قائل نشدند. در واقع باید گفت آسیبی که یهودیان از انقلاب پذیرا شدند رابطه مستقیمی به روابط حکومت انقلابی با رژیم صهیونیستی داشت. از دست رفتن پایگاه اسرائیل در ایران به معنای پایان رانت یهودیان در این زمینه بود. بنابراین در تحلیل موقعیت یهودیان در انقلاب باید متغیر مهمی را به نام اسرائیل همواره مدنظر قرار داد. در آثار منتشر شده یهودیان به خوبی نگرانی و اضطراب جامعه کلیمی در از دست‌دادن موقعیت ممتاز خود و بلا تکلیفی در وضعیت جدید نمایان است. در این زمینه به چند مورد اشاره می‌گردد:

- در ۱۹۷۹م شورش سراسری مردم، رژیم پهلوی را سرنگون کرد و قدرت را به دولت اسلامی بخشید. در جو ناآرام انقلاب جامعه یهودی ایران درگیر خطرات ناشی از تفکر ضد یهودی ایرانیان قرار داشت. نسل جدید روشنفکران یهودی از رهبری انقلاب برای یهودیان سراسر کشور تقاضای امنیت و حفاظت در برابر مسلمانان ضد یهود ایرانی و سایر خطرات احتمالی کرد. اما از آن جا که سران یهودی بیش از حد تحت حمایت شاه پهلوی بودند هیچ دفاعی از جامعه یهودی صورت نگرفت و اگر روشنفکران یهودی با دولت جدید کنار نمی‌آمدند به طور کامل نابود می‌شدند. نسل جدید روشنفکر ایران توانستند با سود بردن از تجربه‌ها و راهکارهای سیاسی و اتخاذ سیاستی خاص، بار دیگر پرده‌ای از مهارت‌های قدیمی جامعه یهود در جهان را در این برهه سخت تاریخی

حجم بالای روابط شاه با اسرائیل و همکاری‌های گسترده طرفین در موضوعات مختلف طبیعی بود که یهودیان در عرصه‌های مختلف دارای جایگاهی پیش از حد و اندازه‌های یک اقلیت در جامعه مسلمان آن روز ایران باشند و طبیعتاً ادامه وضعیت موجود به نفع یهودیان بود

به نمایش گذارند.<sup>۱</sup>  
- انقلاب اسلامی طی دو دهه قدرت خود ایده‌های سیاسی داخلی و خارجی ایران را کاملاً تغییر داد و از جمله تأثیر فراوانی بر اقلیت‌های دینی و نژادی بر جای گذارد. دگرسانی سیاست‌های ایرانی در تفاوت تفکر محمدرضا شاه پهلوی و آیت‌الله روح الله

خمینی کاملاً مشهود است. جهان‌بینی [امام] خمینی کاملاً نقطه مقابل دیدگاه پهلوی بود. گرایش به ایران باستان و میراث کوروش کبیر که از دغدغه‌های اصلی فرهنگی و سیاسی شاه بود جای خود را به اعتلای سنت‌های امام علی (ع) داد. همان اندازه که شاه به میراث پیش از اسلام ایران وفادار بود انقلاب اسلامی خواستار احیای فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلامی شد و همان‌طور که شاه هوادار غربی‌سازی ایران بود انقلاب اسلامی تأثیر و تهاجم غربی را تهدیدی جدی می‌دانست. همچنین خلاف ارتباط نزدیک شاه با ایالات متحده آمریکا، امام امریکا را شیطان بزرگ می‌دانست و علی‌رغم ملی‌گرایی شدید شاه، نظریه [امام] خمینی مرزهای جغرافیایی و سیاسی و قومی میان امت مسلمان را نمی‌پذیرفت و نادیده می‌گرفت. چنان که مواضع این دو شخصیت درباره اقلیت‌های دینی با یکدیگر متفاوت بود. پس جامعه یهود ایران تحت تأثیر تغییرات انقلابی کشور قرار گرفت و با این که تا سال ۱۹۷۹ از آزادی مطلوبی برخوردار بود تغییرات سیاسی انقلاب پیامدهای مثبتی برای آن‌ها در بر نداشت.<sup>۲</sup>

- در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۸ حبیب‌القانیان که رئیس وقت انجمن کلیمیان بود به حکم دادگاه انقلاب اسلامی اعدام شد. در آن روز جامعه کلیمیان ایران از این واقعه سخت ترسیده و پریشان گردید.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۳۶۵.

۲. ماهنامه دینی، فرهنگی، خبری بینا، ارگان انجمن کلیمیان تهران، س ۱، ج ۳، ص ۱.

۳. امنون نتصر، پادیاوند، امریکا، مزدا، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۳۲۱.



## واکنش یهودیان در قبال انقلاب اسلامی

از آن جا که حفظ وضع موجود در قبل از انقلاب خواسته جامعه کلیمی آن روز بود، روند رو به گسترش حرکت انقلاب اسلامی جامعه کلیمی ایران را بالاجبار وادار به موضع گیری در قبال حرکت مردم نمود. این موضع گیری طیف مختلفی را در این جامعه در بر می گرفت. به عبارتی حرکت انقلاب موجب شقوق در بین یهودیان گردید. البته قابل ذکر است که این اختلاف مربوط به نحوه و شیوه های واکنش در قبال حرکت انقلاب اسلامی بود و گر نه حفظ منافع یهودیان و چگونگی تأمین آن در فضای جدید مورد اتفاق قاطبه جامعه یهود در ابتدای انقلاب بود. می توان موضع گیری های صورت گرفته را در قبال وقوع انقلاب اسلامی در چند طیف تقسیم بندی نمود:

### الف. مخالفت با انقلاب

عده ای از یهودیان امید به بازگشت آرامش به کشور و ادامه حکومت پهلوی داشتند. در این زمینه به موردی استناد می شود:

یهودیان ایران هنوز امیدوارند که شاه بالاخره شورشیان را سرکوب کرده و اوضاع را به کمک ارتش عوض خواهد کرد.<sup>۱</sup>

البته قابل ذکر است این موضوع تنها به یهودیان ایرانی اختصاص نداشت بلکه رژیم صهیونیستی نیز روی این مسئله حساب باز نموده بود:

اسرائیل به دو دلیل حاضر نبود پایگاهش را در این کشور مهم نفت خیز ترک کند اولاً معلوم نبود اگر یوسف هارملین سفیر و کارمندانش را به کشور احضار می کردند دوباره اجازه بازگشت به ایران به آنان داده می شد؛ ثانیاً به رغم مهاجرت تعدادی از یهودیان هنوز ۵۰ هزار یهودی در ایران باقی مانده بودند.<sup>۲</sup>

البته گفتنی است این طرز تفکر در بین یهودیان از اقبال کمتری برخوردار بود و بیشتر یهودیان و در رأس آن ها رهبران شان طرز تفکر دیگری را دنبال می کردند. شاید بتوان اعدام حبیب القانین را با توضیح مذکور تفسیر نمود؛ چراکه با وجود خدمات گسترده وی به اسرائیل چه لزومی داشت که نامبرده به رغم توصیه های مکرر یهودیان حاضر به خروج از کشور نگردد! گو این که این تصور وجود داشت که حکومت انقلابی دوام پیدا نخواهد کرد.

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، همان، ص ۴۵۷.

۲. منوچهر کهن، همان، ص ۲۸۴.



## ب. همراهی با انقلاب

از این که یهودیان ایرانی چه خدمتی می توانستند برای اسرائیل داشته باشند موارد متعددی را می توان برشمرد: استفاده اطلاعاتی از یهودیان ایرانی، افزایش جمعیت اسرائیل با مهاجرت دادن یهودیان ایرانی و کمک های اقتصادی یهودیان ایرانی به اقتصاد اسرائیل

طیف دیگری از یهودیان و در رأس آن ها رهبران دینی جامعه یهود خواستار همراهی یهودیان با حرکت مردم و همراه نشان دادن آن ها با امام و روحانیون در روند تحولات انقلاب بودند. در این زمینه می توان به نقش مؤثر حاخام یدیدا شوفط رهبر دینی وقت یهودیان اشاره کرد. وی تلاش زیادی را در جهت همگام سازی یهودیان با فضای جدید کشور به عمل آورد. کتاب خاطرات نامبرده و اشاره

وی به دیدارهای متعدد با روحانیونی از جمله امام، شهید بهشتی، مرحوم طالقانی و... از جمله موارد قابل ذکر در این رابطه می باشند. به جهت آشنایی بیشتر با این طرز تفکر به مواردی در این زمینه اشاره می شود:

- بعد از آبان ماه ۱۳۵۷ به تدریج تب و طوفان انقلاب آیت الله خمینی بالا گرفت. من نمی دانم چه دست هایی در کار بود و چگونه با آن سرعت شاه کنترل مملکت را از دست داد. جریان طوری بود که ما اسرائیل ها بایستی با آن همراه می شدیم. در فرهنگ یهود قانونی وجود دارد که اسرائیل ها باید همیشه نسبت به خواست اکثریت ملتی که در آن سرزمین زندگی می کنند احترام بگذارند و بزرگان آن مملکت را قدر بدانند. در روزهای انقلاب هم به نظر می رسید اراده مردم ایران تغییر حکومت شاه بود. بنده به درست یا غلط بودن و یا دلایل انقلاب و یا ماجراهای پشت پرده هیچ کاری ندارم. آن چه که واقعیت داشت تغییر حکومت و ضرورت همراهی و هماهنگی ما اسرائیل های ایران با انقلاب بود.<sup>۱</sup>

- در طول تاریخ پس از ظهور دین مبین اسلام جامعه یهود ایران همواره مشمول عنایات روحانیت اصیل ایران بوده است.<sup>۲</sup>

- به دنبال اظهار علاقه معتمدان و رهبران جامعه یهود سرانجام نامه ای با امضای روحانیون عالی مقام حاخام یدیدا شوفط و حاخام اوریل

۱. گزارش خاطرات یوسف کهن، همان، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۳۱۹-۳۱۸.



داویدی، انجمن مرکزی کلیمیان و... خطاب به آیت‌الله خمینی تنظیم گردید که ضمن آن قاطعانه اعلام شده بود که یوسف کهن نماینده منتخب مردم جامعه یهود بوده و در تمامی دوران مشروطیت جامعه یهود نماینده‌ای فداکار و از خود گذشته چنان‌که نداشته است و آن چنان مورد اقبال و علاقه مردم می‌باشد که هر گاه اراده کند مردم جامعه یهود حتی در شرایط انقلاب هم مجدداً به اتفاق آرا برای نمایندگی به او رأی خواهند داد و در خاتمه تقاضا شده بود که امام بنده را از پرداخت حقوق نمایندگی و مجازات‌های مقرر درباره نمایندگان معاف نمایند. در حقیقت این اقدام روحانیت یهود و انجمن‌های مرکزی نسبت به من در خور هر گونه ستایش است که خدمتگزار خود را در این شرایط سخت تنها نگذاشته است. نامه مذکور با وسایلی به حضور امام خمینی فرستاده شد و به شورای انقلاب احاله گردید و پس از بررسی لازم من اولین نماینده مجلس بودم که شورای انقلاب با رأی خود مرا معاف نمود.<sup>۱</sup>

موارد فوق گرچه حکایت از همراهی یهودیان با انقلاب اسلامی داشت ولی باید گفت تناقضات متعدد در مطالب عنوان شده در آثار یهودیان صداقت آن‌ها را به شدت زیر سؤال می‌برد چرا که افرادی که تا دیروز سینه‌چاک نظام شاهنشاهی بودند به ناگاه رنگ عوض کرده و مدافع انقلاب اسلامی می‌شوند. جالب این که این افراد خود به نداشتن صداقت در قبال انقلاب اسلامی اذعان کرده و تغییر موضع خود را ناشی از تغییر فضای کشور می‌دانند. به راستی اگر مطالب فوق را بپذیریم که یهودیان ارادت خود را به روحانیت و انقلاب اسلامی نشان داده‌اند چرا این ارادت در پیش از انقلاب نمود نداشته است؟ اگر به راستی حرکت انقلاب تداوم نداشت، آیا یهودیان پشتیبان حرکت مردمی بودند؟ و یا منافع خود را در قدرت حاکم جست‌وجو می‌کردند؟

### پ. خروج از کشور

بخشی از جامعه یهود به دنبال گسترش موج انقلاب و ناامیدی از ادامه حکومت پهلوی تصمیم به خروج از کشور گرفت. البته ذکر این نکته ضروری است که این خروج با هدایت رهبران جامعه و دولت اسرائیل صورت پذیرفت. در آثار منتشر شده یهودیان موضوع خروج این افراد از ایران در بحبوحه انقلاب مورد نظر قرار گرفته است که به ذکر مواردی در این زمینه می‌پردازیم:

۱. همان، ص ۳۰۶.

بخشی از جامعه یهود به دنبال گسترش موج انقلاب و ناامیدی از ادامه حکومت پهلوی تصمیم به خروج از کشور گرفت. البته ذکر این نکته ضروری است که این خروج با هدایت رهبران جامعه و دولت اسرائیل صورت پذیرفت

- طی یادآوری‌های مکرر به جناب حاخام دیدیدیا شوفط از ایشان خواستم که با آرامش و اشاره به مردم تفهیم کند که صلاح است در صورت امکان بدون سروصدا (مهاجرت) نمایند. بدیهی است طرح این امر به صورت رسمی از سوی من با ایشان گذشته از ایجاد وحشت و اضطراب بین مردم، عکس‌العمل شدید رژیم و ساواک را نیز در پیش داشت که

تهدید می‌نمودند شما می‌خواهید رژیم مملکت را متزلزل و تاروپود آن را به هم بریزید و این در سایر هم‌میهنان هم اثر فوق‌العاده می‌گذاشت.<sup>۱</sup>  
- مقارن همان ایام به منظور تقویت روحیه و روشنگری مردم با وجود آشوب‌های خطرناک و احتمال خطرات جانی برای شخص من مرتباً به شهرستان‌های یهودی‌نشین... مسافرت و ضمن تقویت روحیه روشنگری، مردم را تشویق به علیا نمودم که نتیجتاً در حدود ۴۰۰۰۰ نفر یهودی قبل از انقلاب ایران را ترک نمودند و آن‌ها که نرفتند به علت‌های علایق مادی و گرفتاری‌های شخصی خودشان بوده است.<sup>۲</sup>  
- در پی انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ میلادی در ایران، یهودیان ایرانی به سایر کشورها از جمله امریکا و اسرائیل مهاجرت کردند و عده کمی در ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی ساکن شدند. اما جمعیت اصلی و مستقل مهاجران یهودی در ایالات متحده امریکا شکل گرفت.<sup>۳</sup>  
- نخست‌وزیر اسرائیل اطمینان داد همه توان خود را برای کمک در جذب و اسکان یهودیان ایرانی در اسرائیل بسیج خواهد کرد.<sup>۴</sup>

ت. کمک به اعضای سفارت اسرائیل در تهران

یکی از اقدامات مهم یهودیان ساکن در ایران در قبال حرکت انقلاب، یاری‌رسانی به اتباع اسرائیلی شاغل در سفارت اسرائیل در تهران بود که در اوج بحران نتوانسته بودند

۱. همان، ص ۳۰۸-۳۰۷.

۲. هومن سرشار، همان، ص ۱۹.

۳. امنون نتصر، یادیاوند، همان، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۳۳۲-۳۳۱.

۴. منوچهر کهن، همان، ص ۳۳۵.





آسیبی که یهودیان از انقلاب پذیرا شدند رابطه مستقیمی به روابط حکومت انقلابی با رژیم صهیونیستی داشت. از دست رفتن پایگاه اسراییل در ایران به معنای پایان رانت یهودیان در این زمینه بود. بنابراین در تحلیل موقعیت یهودیان در انقلاب باید متغیر مهمی را به نام اسراییل همواره مدنظر قرار داد

از کشور خارج شوند. نکته جالبی که باید بدان اشاره داشت تناقضی است که این بخش از آثار یهودیان با بخش‌های پیشین مبنی بر همراهی آن‌ها با حرکت انقلاب دارد. یکی از تأکیدهایی که امام (ره) در روند مبارزات خود در بعد از قیام ۱۵ خرداد داشت و همواره به عنوان یکی از اصول تفکرات وی مطرح بود، طرح خطر اسراییل برای مسلمانان و لزوم مقابله با آن بود. اگر یهودیان داعیه حمایت از حرکت امام را در فرآیند مبارزات برای پیروزی انقلاب داشتند، کمک آن‌ها به اعضای سفارت اسراییل جهت خروج از کشور و فراهم آوردن تسهیلات به آن‌ها چه تفسیر و معنایی می‌تواند داشته باشد؟ برای روشن شدن بیشتر ابعاد این موضوع، به برخی موارد از آثار منتشرشده از سوی یهودیان اشاره می‌گردد:

- موقعی که انقلاب شد تمام کارمندان سفارت اسراییل به منزل یک یهودی پناه بردند. تمام پول‌های نقد، دفاتر حساب و مدارک و ماشین‌های آخرین سیستم و همه وسایل زندگی‌شان را هم باقی گذاشتند و رفتند. یک یهودی پدرآمرزیده‌ای که کارمند سفارت کانادا بود برای همه آن‌ها پاسپورت گرفت و تا آن جا که من می‌دانم با اسامی مستعار این‌ها شبانه از ایران رفتند.<sup>۱</sup>

- اجازه بفرمایید که خاطره‌ای را در حضورتان معروض بدارم که شاید غیر از من و جناب حاخام یدیدیا کسی از این جریان اطلاعی نداشته است. درست چند روز پس از وقوع حادثه بهمن ماه ۱۳۵۷ بود که در گیرودار همه این مسائل و اتفاقات و ناهنجاری‌ها و نگرانی‌ها و مخاطرات اطلاع پیدا کردم که تمامی اعضای سفارت اسراییل را بازداشت کردند. در جایی مخفی شده بودند و به هر حال پیدایشان کردند. سیاست وقت آن روز که با سیاست امروز تشابه ندارد منجر به این شد که آقایان بعد از مدتی آزاد شدند و بی‌سروصدا با یک هواپیما از ایران خارج شدند.<sup>۲</sup>

- ناگهان به‌وسیله یکی از دوستان که از مخفی‌گاه من با خبر بود

۱. گزارش خاطرات یوسف کهن، همان، ص ۲۷۴.

۲. همان، ص ۳۱۵.



اطلاع یافتیم که امروز صبح تعدادی در حدود سی نفر از اعضای سفارت اسرائیل در ایران را که در محلی مخفی شده بودند غافل گیر و بازداشت کرده‌اند. معلوم شد با تعقیب آشپز سفارت به محل مخفی گاه آنان پی برده‌اند. واقعاً برای من تعجب آور بود که آقایان با آن همه دستگاه عظیم اطلاعاتی رودست خورده و تهران را ترک نکرده باشند. من بلافاصله با آقای حاخام یدیدیا شوفط تلفنی تماس گرفتم. با صدای بسیار ناراحت و گریه آلود اعلام داشت که هم‌اکنون این جریان را به او هم اطلاع داده‌اند و گزارش دهنده گفته که تنها شما و دو نفر از این جریان مطلع هستید و لاغیر.<sup>۱</sup>

در مطالب فوق نکات مهمی نهفته است که اجمالاً به چند مورد آن اشاره می‌گردد:  
- این مطالب از زبان یوسف کهن آخرین نماینده یهودیان در مجلس شورای ملی در زمان حکومت پهلوی بیان شده است.

- حاخام یدیدیا شوفط همان فردی است که تلاش فراوانی را در جریان انقلاب برای همراه نشان دادن یهودیان با آن به عمل آورده و در کتاب خاطرات خود به تفصیل به دیدار با علما اشاره و خود را شخصیتی جلوه داده که گویا نقش مهمی را در یاری‌رسانی به انقلاب بر عهده داشته است.

- در مطلب فوق اشاره شده که تنها کهن و شوفط آن هم به واسطه فردی از موضوع اعضای سفارت اسرائیل اطلاع داشته‌اند. به راستی آن‌ها با اعضای سفارت اسرائیل چه ارتباطی داشتند که این گونه نگران وضعیت آینده آن‌ها بودند؟ از طرفی با توجه به اوضاع متشنج آن روز جامعه ایران آن‌ها چگونه و به چه طریقی به چنین اطلاعاتی دست یافته‌اند؟

### ث. حفظ و خروج سرمایه

در اوج تحولاتی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید بخشی از جامعه ایران که وابسته به رژیم پهلوی بودند به دلایل مختلف سعی نمودند سرمایه‌های خود را از کشور خارج سازند. این موضوع قابل تعمیم به جامعه یهود آن زمان نیز می‌باشد. عده‌ای از یهودیان به دور از گیرودار تحولات ابتدای انقلاب در پی آن بودند تا منافع خود را حفظ کنند و مانع از تأثیر گذاری روند انقلاب در این زمینه شوند. در این خصوص نیز می‌توان به مواردی چند اشاره داشت:

۱. منوچهر کهن، همان، ص ۲۸۷.



- آقایان شاه رفتنی است. موقعی هم که برود حتماً بلوایی خواهد شد. بیایید در حق خودتان و در حق ما و جماعت فکری کنید. حداقل بروید هر چه پول نقد دارید، هر چه در دسترس دارید بفرستید خارج.<sup>۱</sup>

- به خاطر دارم که در روز ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ که تهران در آتش سوزی و کشتار فرو رفته بود به یادم افتاد که قسمتی از این وجه بلامصرف مانده است. در زیر رگبار گلوله و آشوب در خیابان‌ها خودم را به سازمان برنامه و بودجه رسانیدم و در حالی که کارمندان در ساختمان زندانی شده بودند درخواست انتقال وجوه باقیمانده را برای خرید مرکز فرهنگی جوانان یهود ایران دادم که باز حمت بسیار مسئولین امر را در گوشه‌های مختلف پیدا نمودم و اوراق مربوطه را به امضای آنان رسانیدم تا این وجه بلامصرف نمانده و حق جامعه ما تضییع نشود.<sup>۲</sup>

مطالب فوق به خوبی روشن می‌سازد زمانی که مردم ایران در روزهای منتهی به حکومت پهلوی با نثار جان خود در پی به ثمر رساندن نهال انقلاب بودند جماعت یهودی چگونه در تلاش بود تا صرفاً منافع خود را ولو به قیمت آسیب رساندن به انقلاب تأمین نمایند.

### انقلاب اسلامی و یهودیان ایرانی خارج از کشور

همچنان که در سطور فوق اشاره گردید به دنبال وقوع انقلاب اسلامی بخشی از جامعه یهود ایران ادامه وضعیت موجود را به نفع خود ندانسته و خروج از کشور را بر ماندن در آن ترجیح دادند. البته باید گفت خروج این عده به بهانه وقوع انقلاب بهانه‌ای بیش نبود. در موضوع خروج یهودیان از کشور می‌توان به آمار ذیل با استفاده از منابع یهودیان استناد جست:

یهودیان باقی مانده در ایران زیر نظر حکومت جامعه‌ای ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ را تشکیل می‌دادند. در مجموع قریب ۱۵ تا ۲۵ هزار یهودی به اسرائیل، ۳۰ تا ۴۰ هزار به امریکا و حدود ۱۰ هزار نفر به کشورهای دیگر مهاجرت کردند.<sup>۳</sup>

از آن جا که در بین یهودیانی که به خارج مهاجرت نمودند افرادی بودند که در حکومت

۱. گزارش خاطرات یوسف کهن، همان، ص ۲۹۷.

۲. هومن سرشار، همان، ص ۲۵۲.

۳. امنون نتصر، همان، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۴۳.

در اوج تحولاتی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید بخشی از جامعه ایران که وابسته به رژیم پهلوی بودند به دلایل مختلف سعی نمودند سرمایه‌های خود را از کشور خارج سازند. این موضوع قابل تعمیم به جامعه یهود آن زمان نیز می‌باشد. عده‌ای از یهودیان به دور از گیر و دار تحولات ابتدای انقلاب در پی آن بودند تا منافع خود را حفظ کنند و مانع از تأثیرگذاری روند انقلاب در این زمینه شوند

پهلوی دارای منافی بوده و تشکیل حکومت اسلامی را بر نمی‌تابیدند لذا با سکنی گزیدن در خارج از کشور، اقدام به مخالفت با جمهوری اسلامی و تلاش برای براندازی آن نمودند. با توجه به این که قسمت عمده مهاجرت‌ها به امریکا صورت گرفت، بنابراین فعالیت عمده این دسته از یهودیان در امریکا متمرکز گردید. محورهای فعالیت این دسته از یهودیان را می‌توان در محورهای زیر جست‌وجو نمود:

- ظلم و ستم رواشده به یهودیان و نادیده انگاشتن حقوق آن‌ها از سوی جمهوری اسلامی
- تلاش جهت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران به طرق مختلف

- تلاش جهت حفظ و یکپارچگی جامعه یهود ایرانی در خارج از کشور
- تأسیس مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی با هدف تاریخ‌سازی برای یهودیان
- حفظ و ارتقای ارتباطات با یهودیان داخل کشور
- گسترش برنامه‌های دینی از قبیل تأسیس کنیسه و مراکز دینی با هدف جلوگیری از کم‌رنگ شدن عامل دینی در بین یهودیان مهاجر از ایران
- تلاش جهت حفظ هویت ایرانی یهودیان مهاجر و جلوگیری از به تحلیل رفتن آن‌ها در جوامع پذیرنده
- برای تحقق اهداف ذکر شده مؤسسات و نهادهای مختلفی از سوی یهودیان ایرانی تشکیل گردید که در این رابطه می‌توان به برخی از این موارد اشاره داشت:
- شورای سازمان‌های یهودی ایران و امریکا
- فدراسیون یهودیان ایرانی امریکا
- انجمن یهودیان ایران - امریکا (سیامک)
- مرکز فرهنگی ارتز
- مرکز تاریخ شفاهی یهودیان
- بنیاد حبیب لوی
- و سازمان‌های متعدد دیگر



یکی از اقدامات مهم یهودیان ساکن در ایران در قبال حرکت انقلاب، یاری رسانی به اتباع اسرائیلی شاغل در سفارت اسرائیل در تهران بود که در اوج بحران نتوانسته بودند از کشور خارج شوند

در رابطه با فعالیت‌های یهودیان ایرانی در خارج از کشور، قسمتی از این موارد در برگیرنده زندگی اجتماعی آن‌ها در خارج از کشور است، لکن قسمتی از این فعالیت‌ها اقدامات تخریبی آن‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که این موضوع با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و کماکان ادامه دارد. بخشی از این فعالیت‌ها مربوط به افرادی است که در قبل از انقلاب در ایران فعالیت داشتند. افرادی نظیر هما سرشار که

نقش عمده‌ای را در مخالفت با جمهوری اسلامی بر عهده دارند.

- سرشار در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را ترک کرد و در امریکا به صف ضدانقلاب سلطنت طلب پیوست و به عنوان روزنامه‌نگار و تهیه‌کننده و مجری برنامه‌های تلویزیونی با وسایل ارتباط جمعی متعلق به آن‌ها همکاری کرد. وی وابسته به طیف سلطنت طلب ضدانقلاب و از هواداران سلطنت رضا پهلوی است و همواره می‌کوشد تا فعالیت‌های مربوط به او را پوشش خبری داده و یا از طریق مصاحبه و گفت‌وگو موجبات جعل شخصیت برای وی را فراهم آورد. وی تشکیلات فدراسیون یهودیان ایرانی را در امریکا سازماندهی کرد و خود سردبیر مجله شوفا را در این گروهک شد.<sup>۱</sup>

- وی در روز ششم اوت ۱۹۹۶ جایزه دوستی اسرائیل و امریکا را از سوی بنیاد بنی صیون دریافت کرد.<sup>۲</sup>

علاوه بر افراد، سازمان‌هایی نیز در این رابطه فعال می‌باشند که برای نمونه می‌توان به گروه فریبرز مطلوب اشاره داشت.

- اعضای اصلی و مؤسس گروه فریبرز مطلوب را عده‌ای از یهودیان و صهیونیست‌های فراری تشکیل می‌دهند: افرادی نظیر الیاس اسحاقیان، امیر ابسلت، شکراله برآوریان، داود بخشنده، نعیم پیری، عزت دلیجانی، نسیم طوبا، کرمانشاهیچی، نجات گبای و عده‌ای دیگر که هر یک نقشی عمده در نفوذ صهیونیسم به کشورمان داشته و از ابتدای پیروزی

۱. نیمه پنهان، سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست، تهران، کیهان، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۸۱-۸۰.  
 ۲. همان، ص ۸۶.



در رابطه با فعالیت‌های یهودیان ایرانی در خارج از کشور، قسمتی از این موارد در برگیرنده زندگی اجتماعی آن‌ها در خارج از کشور است، لکن قسمتی از این فعالیت‌ها اقدامات تخریبی آن‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که این موضوع با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و کماکان ادامه دارد

انقلاب اسلامی نقشی تخریبی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بر عهده گرفته‌اند. این افراد در بیانیه رسمی خود اعلام کرده‌اند که با هدف دمیدن روح امید به نیروهای مخالف جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۶ گروه فریب‌رز مطلوب را تشکیل دادند.<sup>۱</sup>

در خصوص فعالیت یهودیان ایرانی در جهت همکاری با گروه‌های سلطنت‌طلب و تلاش برای براندازی نظام اسلامی نشریه فورواردر در مطلبی با عنوان جبهه جدید برای تغییر رژیم در ایران ابعاد جالبی را از این همکاری بازگو نموده است. این نشریه از سه مثلث محافظه‌کاران امریکایی، گروه‌های سلطنت‌طلب و سازمان‌های یهودی به عنوان جبهه جدیدی برای براندازی نظام اسلامی یاد کرده و می‌نویسد:

جوانه‌های یک ائتلاف مرکب از بازه‌های محافظه‌کار امریکایی، سازمان‌های یهودی و سلطنت‌طلب ایرانی به کاخ سفید فشار می‌آورند تا کوشش‌های امریکا برای تغییر رژیم ایران تشدید شود. پویا دینانیم<sup>۲</sup> رئیس کمیته امور اجتماعی یهودیان ایرانی مقیم لس‌آنجلس که خود از طرفداران سیاست‌بازها در مورد ایران است می‌گوید: «به منظور تقویت حمایت از سیاست تغییر رژیم در ایران میان بازه‌های دولت بوش، گروه‌های یهودی و حامیان ایرانی رضا پهلوی معاهده‌ای بسته شده است. وی می‌افزاید بسیاری از یهودیان ایرانی عاشق رضا پهلوی هستند زیرا دوران پدر وی عصر طلایی برای یهودیان بوده است.»

در ادامه این نشریه می‌افزاید:

شکل‌گیری این ائتلاف یادآور تدارک برای تهاجم به عراق و در نظر گرفتن نقشی مثل احمد چلبی، رئیس کنگره ملی عراق و شخصیت مورد پسند نومحافظه‌کاران امریکا برای رضا پهلوی است. پهلوی دارای روابط

۱. معماران تباہی، سیمای کارگزاران کلپ‌های روتاری در ایران، تهران، کیهان، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۸-۱۷.  
۲. پویا دینانیم همچنین رئیس کمیته حمایت از اقلیت‌های دینی در ایران می‌باشد که فعالیت‌های تخریبی متعددی را علیه ایران در امریکا سازماندهی کرده است.



خوب با گروه‌هایی است. پهلوی برای شورای انستیتوی یهودی برای امور امنیتی در لس آنجلس سخنرانی داشته است. پهلوی همچنین بی سرو صدا با مقامات عالی رتبه اسراییلی تماس داشته و به طور خصوصی با نخست‌وزیر شارون و نتانیا هو نخست‌وزیر پیشین و موشه کتساف رئیس‌جمهور دیدار داشته است.<sup>۱</sup>

باید گفت اقدامات تخریبی این دسته از یهودیان ایرانی علیه انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف نمود داشته است. انتشار مجلات و کتب مختلف، لابی با گروه‌های صهیونیستی، انجام سخنرانی، برپایی سمینارها و میزگردهای مختلف از جمله موارد قابل ذکر در این رابطه می‌باشد.

### انقلاب اسلامی و مهاجرت یهودیان

در بررسی موضوع یهودیان ایرانی و انقلاب اسلامی یکی از موضوعاتی که همواره از سوی آنان مطرح می‌باشد، طرح مسئله‌ای به نام مهاجرت یهودیان از کشور و نسبت دادن آن به تحولات انقلاب اسلامی است. در آثار مربوط به یهودیان داخل کشور در بعد از انقلاب شاهد هستیم به کرات و در مقاطع مختلف از این موضوع یاد شده است. در این آثار این گونه تداعی می‌شود که یهودیان به دلیل فشارها و تبعیض‌های اعمال شده اقامت در خارج از کشور را به زندگی در آن ترجیح داده‌اند و نکته جالب آن که وقوع انقلاب اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی را عامل این پدیده معرفی می‌کنند. در ابتدا به مواردی از دیدگاه‌های یهودیان در آثار آن‌ها اشاره و در ادامه به این شبهات پاسخ داده می‌شود.

- با انقلاب اسلامی گروهی از ایرانیان که شرایط تازه را بر نمی‌تابیدند میهن خویش را ترک نمودند. بیشتر این افراد به طبقات ثروتمند، تحصیل کرده، متخصص و جوانان فعالی که رشد اجتماعی و علمی خود را در وضعیت انقلاب، جنگ و بحران‌های اقتصادی - سیاسی در خطر می‌دیدند وابسته بودند. اقلیت‌های دینی هم دقیقاً چنین وضعیتی داشتند؛ افزون بر این که فشار نوعی از تبعیض و محدودیت را بر شانه‌های اجتماعشان متحمل می‌شدند و این شرایط برای یهودیان

1. www.Forward.com (2003/5/16)

لازم به ذکر است مجله فوروارد قدیمی‌ترین نشریه یهودیان امریکا است که از سال ۱۸۹۷ در نیویورک منتشر می‌شود.

رویکرد مثبت یهودیان به انقلاب اسلامی تنها در سال ۱۳۵۷ نمود آشکاری داشت و قبل از آن هیچ گونه حرکتی که دال بر فعالیت مثبت یهودیان در راستای تأیید یا همراهی با انقلاب به خصوص در سال‌های خفقان رژیم پهلوی باشد، وجود نداشت

دو چندان بود و روند مهاجرت آنان که طی سده گذشته ادامه داشت در دو دهه اخیر شتاب بیشتری گرفت.<sup>۱</sup>  
- بحران موجود اقتصادی در کشور، نامشخص بودن ضوابط اقتصادی و اجتماعی، تحقیر مستمر کلیمیان مخصوصاً از

طریق صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و حوادث ناخوشایند که بعضاً اتفاق می‌افتد، از جمله عللی است که موضوع مهاجرت را در میان کلیمیان ایران به یک معضل اجتماعی تبدیل کرده است.<sup>۲</sup>

- بروز مشکلات و سخت‌گیری‌ها در سال‌های اولیه انقلاب را می‌توان تا حدی عادی و از پیامدهای هر انقلاب دانست، منتهی با گذشت ۲۷ سال از انقلاب، جامعه ما متأسفانه هر روز با گونه‌های خاصی از ضدیت و مخالفت و توهین به شعائر مذهبی و اعتقادات خود و به عبارت دیگر، گونه‌ای یهودستیزی روبه‌رو بوده است. چاپ کتب و مقالات غیرمستند و برخلاف واقع و از همه بدتر، تهیه و پخش سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی از آن گونه هستند... به جرأت می‌توان گفت که درصد قابل توجهی از مهاجرت‌های کلیمیان به خارج از کشور را باعث گردیده است.<sup>۳</sup>

حال که مشخص گردید یهودیان، جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن را عامل مهاجرت و تشدید آن عنوان می‌کنند، لازم است این موضوع بررسی شود که آیا انقلاب اسلامی موجب مهاجرت یهودیان ایرانی از کشور گردیده یا اینکه عوامل دیگری در این زمینه به ایفای نقش می‌پردازند؟

باید گفت مهاجرت یهودیان یک فرآیند طولانی مدتی بوده که سال‌ها پیش از انقلاب ایران آغاز گردید که تا به امروز نیز ادامه دارد. در این میان تشکیل رژیم غاصب اسرائیل عامل مهمی در افزایش مهاجرت یهودیان از ایران بوده است.

۱. ماهنامه دینی، فرهنگی، خبری بینا، همان، س ۵، ش ۲۱، مرداد تا آبان ۱۳۸۱، ص ۳۷.

۲. همان، س ۲، ش ۹، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۹، ص ۲.

۳. همان، س ۶، ش ۲۵، اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۶.





بررسی آمار مهاجرت یهودیان ایرانی در قبل از انقلاب نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۱ رقمی در حدود ۶۱۰۰۰ یهودی از کشور خارج گردیده‌اند. ارقام فوق نشان می‌دهد در سال‌های قبل از جنگ ۶ روزه یعنی از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ هر سال بیش از دو هزار نفر به اسرائیل رفته‌اند تا برای جنگ آماده شوند.<sup>۱</sup>

آمار فوق و اسناد متعدد منتشر شده ساواک به خوبی نشان می‌دهد مسئله مهاجرت یهودیان و حتی ترک تابعیت این افراد موضوعی بوده که رژیم پهلوی سال‌های متمادی با آن سر و کار داشته است. اگرچه اسناد و مدارک فراوانی در این رابطه وجود دارد ولی برای روشن نمودن ماهیت مهاجرت یهودیان بهتر است به مطالب منتشر شده خود آنان استناد کنیم:

سده‌های متوالی است که یهودیان خاورمیانه و سرزمین اسرائیل، ارتباط دینی خود را حفظ کرده‌اند. ایشان دعاگوی یکدیگر و هوادار آرمان صهیون‌اند و به مؤسسات یهودی در اسرائیل کمک می‌کنند و بسیاری سالمندان یهودی به اسرائیل به سرزمین مقدس خود بازگشته‌اند تا در آن جا بمیرند و در همان سرزمین دفن شوند. انگیزه‌های دینی مهم‌ترین علت مهاجرت به اسرائیل بوده و هنوز هم هست. شکل‌گیری صهیونیسم، علت جدید و مضاعف مهاجرت دینی با هدف تأسیس یک دولت یهودی به اسرائیل شده است. این عقیده ریشه در باور بازگشت به سرزمین مقدس و آمدن منجی موعود دارد. برای تحقق آرمان صهیون، یهودیان می‌بایست عبری بیاموزند، به اسرائیل بروند، زمین را آباد کنند و به فعالیت برای تشکیل جامعه یهودی دامن بزنند.<sup>۲</sup>

مجموع مطالب فوق گویای آن است که مهاجرت یهودیان به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. البته قابل ذکر است که در جریان انقلاب افرادی که نمی‌توانستند با وضعیت جدید کنار بیایند لاجرم مبادرت به ترک ایران نمودند. اگرچه علل و انگیزه‌های خروج این افراد از کشور در مجال این بحث نمی‌گنجد ولی در یک نگاه کلی افرادی که نمی‌توانستند حاکمیت یک نظام اسلامی را بپذیرند خروج از کشور را بر ماندن در آن

۱. سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، همان، ص ۴۷۸-۴۷۷.

۲. هومن سرشار، همان، ص ۲۳۱.

ترجیح دادند؛ بنابراین طیف گسترده‌ای از افراد در جریان انقلاب از کشور خارج شدند که بخشی از این روند به یهودیان اختصاص داشت؛ لذا در تحلیل این موضوع باید خروج یهودیان در ابتدای انقلاب را در یک فرآیند کلی مورد بررسی قرار داد، نه این که انقلاب را به عنوان یک حرکت ضد یهودی که موجب خروج یهودیان از کشور شد، مطرح نمود. البته باید گفت طرح موضوع انقلاب به عنوان عامل مهاجرت یهودیان بهانه‌ای بیش نبود، چرا که عوامل داخلی و خارجی دیگری در این زمینه در حال ایفای نقش بودند. در بحث عوامل داخلی در مطالب پیشین اشاره شد که چگونه در بحبوحه انقلاب رهبران جامعه یهود، یهودیان را تشویق به خروج از کشور و خارج نمودن سرمایه‌های خود نمودند. در بحث عوامل خارجی نیز باید به نقش آژانس یهود و دولت اسرائیل جهت بهره‌برداری از موضوع اشاره کرد چرا که با طرح خطر انقلاب برای یهودیان، خیلی راحت و بدون دردسر و پرداخت هزینه می‌توانستند موجبات مهاجرت یهودیان و اسکان آنان را در اسرائیل فراهم سازند. بنابراین طرح موضوع مهاجرت یهودیان و نسبت دادن آن به انقلاب اسلامی جفایی است که یهودیان به نظام اسلامی نسبت داده‌اند.

## نتیجه‌گیری

در روند بررسی انقلاب اسلامی و تأثیرات آن بر جامعه یهود و واکنشی که یهودیان در قبال این حرکت بروز دادند، سعی شد تا با استناد به مطالب و گفتار یهودیان این موضوع مورد کنکاش قرار گرفته و گوشه‌هایی از تاریخ معاصر کشورمان بر مبنای واقعیات بازگو شود. در یک جمع‌بندی از مطالب ارائه شده باید گفت:

۱. وقوع انقلاب اسلامی به مانند شوکی بود که بر پیکره جامعه یهود وارد و موجب شد تا موقعیت ممتاز آن‌ها در حاکمیت پهلوی - که به واسطه نقش اسرائیل بود - پایان یابد.
۲. واکنش یهودیان در قبال انقلاب اسلامی و اقبال به آن ناشی از فضای سنگین انقلاب بود که بر این جامعه سایه افکنده و این جامعه را وادار به پذیرش آن به رغم میل باطنی خود نمود.
۳. رویکرد مثبت یهودیان به انقلاب اسلامی تنها در سال ۱۳۵۷ نمود آشکاری داشت و قبل از آن هیچ‌گونه حرکتی که دال بر فعالیت مثبت یهودیان در راستای تأیید یا همراهی با انقلاب به خصوص در سال‌های خفقان رژیم پهلوی باشد، وجود نداشت.
۴. در آثار یهودیان به طور کلی از انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت ضد یهودی یاد می‌شود که باعث مهاجرت عده زیادی از یهودیان از کشور گردید.

